

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد  
بدين بوم وېر زنده يک تن مېباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

استاد محمد نسیم "اسیر"

24 دسمبر 2011

## هندوگذر

### یک آرزو

ز شکر این سعادت در دهان من شکر افتد  
بچشم داده از کف روشنی، کحل البصر افتد  
سر تعظیم خم سازم به هر جا تا نظر افتد  
ز فرط اشتیاقم ره به هر کوه و کمر افتد  
چه خوش بختی اگر چشمم به آن زیبا اثر افتد  
سراغ از "سنتراشی" (1) جانب هندوگذر افتد  
روم سوی خرابات و به دل شور دگر افتد  
ز کوه "کاسه بُرج" ام لرزه بر اندام در افتد  
به هر پیچ و خم آن کوچه یاری در نظر افتد  
گه از راه چمن در زنده بانام گذر افتد  
که از نامش به جان دشمنان دون شرر افتد  
از آن در گاه فروشی هم گذار مختصر افتد  
زنم خستی به سر گر خست او کم از (3) شمر افتد  
درانجا هر که راهست در کف سیم و زر افتد  
اگر غافل شود کس، کاروبارش در خطر افتد

اگر در کابل زیبا دگر بارم گذر افتد  
به جان رفته از چنگم، دمد روح دل انگیزی  
به یاد خاطرات کودکی و نو جوانی ها  
ز کوه آسمائی تا به کوه شیر دروازه  
قسم با شیر مادر، جوی شیرم یاد می آید  
گهی در شهر نو، گاهی به شهر کهنه بشتابم  
به شور و شرجو بینم جمع و جوش شور بازارش  
ز شا طاووس و از بالاحصار و خضرو پنجه شاه  
گر از "دروازه لوری" (2) روم سوی ریکخانه  
گه از باغ علی مردان، قدم سوی چمن مانم  
رواق عید گاهم می دهد یاد "امان الله"  
سرچوک وطن از گرمجوشی چوک خواهد بود  
پل خستی که با هر سنگ و خشتش آشنایی هست  
سرای "شازده" مصروف دلالی و صرافیت  
پل باغ عمومی ره به سوی مندوی دارد

زشرق و غرب کابل کوچه هارا نام بسیار است که هرچه بیشتر گوئی به یادت بیشتر افتد  
«اسیر» این آرزو از حد فزون گردیده در جانم چه موزونست اگر روزی به آن سویم سفر افتد  
به من گفتند اثر از آن همه خوبی نمییابی  
چه درد آور اگر این آرزویم بی ثمر افتد

1 - گذر سنگ تراشی

2 - دروازه لاهوری (دروازه لوری)

3 - منظور از "شمردن" است

(فرانکفورت - المان، 23 اکتوبر 2009)